





ملقب به عزالدین، که به صورت عز مختصر شده و بر اسمش برتری یافت. شاگردش، ابن دقیق‌العید (متوفی ۷۰۲هـ) به او لقب سلطان العلماء داد. (۱)

امام عزالدین، با دو اسم (پسونند) شناخته می‌شود، اولی ابن عبدالسلام و دومی، سلمی با پسوند نخستین، بیشتر در کتابهای فقهی از او یاد می‌کنند. (۲) پسوند سلمی منسوب به قبیله سلیم بن منصور که نام یکی از قبایل مشهور عرب است و بسیاری از دانشمندان منسوب به آن هستند. (۳) فقط در کتابهای تراجم و شرح حال نویسی از او به اسمش، عبدالعزیز، یاد می‌شود. در غیر آنها با نامهای ابی محمدین عبدالسلام، ابن عبدالسلام، عزبن عبدالسلام یا عزالدین بن عبدالسلام شناخته می‌شود.

### محل تولد

منابعی که به بیان شرح حال عزالدین بن عبدالسلام پرداخته‌اند، همه بر این موضوع، متفقند که او در دمشق و در خانواده‌ای فقیر و ناشناخته متولد شد. ولی در مورد سال ولادتش اختلاف نظر دارند. بعضی از آنها گفته‌اند: او در سال ۵۷۷هـ متولد شد و به روایت ابن سبکی در کتاب طبقات‌الکبری مبنی بر اینکه عز ۸۳ سال زندگی کرد، استناد می‌کنند (۴) ابن تغردی بردی نیز در کتاب النجوم الزاهرة این قول را تأیید نموده است. (۵) برخی دیگر از شرح حال نویسان در مورد سال ولادت او گفته‌اند: تولدش در سال ۵۷۸هـ است و آسنوی (متوفی ۷۷۲هـ) در کتاب الطبقات الشافعیه ج ۲، ص ۱۹۸ و همچنین حسن عبدالله نیز این نظر را با این عنوان که «عزالدین بن عبدالسلام میان سالهای ۵۷۷-۶۶۰ زندگی می‌کرد» تأیید می‌نمایند. (۶)

### آغاز زندگی و شکوفایی

در مورد روزهای اولیه زندگی عزالدین بن عبدالسلام نه تنها به طور مفصل؛ بلکه اطلاع خاصی نیز در آن باره مگر به صورت اندک و ناچیز وجود ندارد. زمانی که او در خانواده‌ای فقیر و ناشناخته زندگی می‌کرد، قدرت، منصب، علم و دانش و مجد و شکوهی در آنجا دیده نمی‌شد. وی در شهر دمشق امروزی، در منطقه شام به دنیا آمد. در آن زمان، دمشق مرکز مهمی برای کسب علم و معرفت بود و قبله علمای و فقها به شمار می‌رفت. در این شهر رشد کرد به سن جوانی رسید. او علی رغم فقر و تنگدستی‌ای که داشت، جوانی دیندار و اهل طاعات و عبادت بود. همیشه نمازش را به جماعت می‌خواند و از هوای نفس، دوری می‌گزید و بینشی صحیح و فهم و هوشیاری خاصی نسبت به دین و آیین خود داشت.

### دانش و جایگاه علمی

بینش، تعلیم و تربیت عزالدین بن عبدالسلام، همانند بینش و تعلیم علماء و دانشمندان عصر خود وی بود. ویژگی علمای آن دوره این بود که به یک یا دو علم اکتفا نمی‌نمودند؛ بلکه جامع علوم و معارف اسلامی بودند یعنی عالم می‌بایست فقیه؛ محدث؛ مفسر؛ اصولی؛ متکلم؛ ادیب و آشنا به زبان و ادبیات عرب و دیگر علوم می‌بود تا از طرف مشایخ و اساتیدش به وی اجازه تدریس و فتوا داده می‌شد (۷) همچنین امام عز در تحصیل علم و دانش همت بلندی داشت، دارای هوشی سرشار و حافظه‌ای قوی بود و دارای اطلاعات زیادی بود و در علوم گوناگون نبوغ خاصی پیدا کرد. با یک بار خواندن هر مطلبی، آن را حفظ می‌کرد بنابراین، بر اساس این ویژگی، می‌توان میزان علم و دانش و معرفت وی را نسبت به آن علم استنباط کرد. تألیفات امام عز در زمینه هر علمی به نسبت شناختی که از آن علم دارد کمتر است؛ زیرا تدریس، او را از تألیف و وعظ و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر نیز، او را از تصنیف باز می‌داشت. (۸)

یافعی (متوفی ۷۶۸هـ) می‌گوید: «عزالدین بن عبدالسلام از جمله افرادی است که در مورد او چنین گفته‌اند: «دانش او بیشتر از تصنیفاتش است، مانند کسانی نیست که عباراتشان کمتر از فهمشان است. او در علوم ظاهری به نسبت گذشتگان (علمای قبل

بینش، تعلیم و تربیت  
عزالدین بن عبدالسلام،  
همانند بینش و تعلیم  
علماء و دانشمندان عصر  
خود وی بود. ویژگی  
علمای آن دوره این بود  
که به یک یا دو علم  
اکتفا نمی‌نمودند؛ بلکه  
جامع علوم و معارف  
اسلامی بودند یعنی عالم  
می‌بایست فقیه؛ محدث؛  
مفسر؛ اصولی؛ متکلم؛  
ادیب و آشنا به زبان و  
ادبیات عرب و دیگر علوم  
می‌بود تا از طرف مشایخ  
و اساتیدش به وی اجازه  
تدریس و فتوا داده می‌شد



یافعی (متوفی ۷۶۸هـ)  
می‌گوید: «عزالدین بن  
عبدالسلام از جمله  
افرادى است که در مورد  
او چنین گفته‌اند: «دانش  
او بیشتر از تصنیفاتش  
است، مانند کسانی  
نیست که عباراتشان  
کمتر از فهمشان است.  
او در علوم ظاهری  
به نسبت گذشتگان  
(علمای قبل از دوره  
خود)، در مرتبه‌ای قرار  
دارد که می‌توان وی را از  
سواره نظام‌های اولیه در  
این علوم دانست.»

از دوره خود)، در مرتبه‌ای قرار دارد که می‌توان وی را از سواره نظام‌های اولیه در این علوم دانست. (۹) ایشان وقت کافی برای تألیف و نوشتن نداشت، اگر چه تألیف را به اندازه تدریس، امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق و یاری نمودن مظلومان معتبر می‌دانست. ابن سبکی در مورد وی می‌نویسد: «عزالدین بن عبدالسلام، داناترین امامان؛ سلطان‌العلماء؛ امام عصر خود که کسی یارای مقابله و برابری با او را ندارد. برپا کننده امر به معروف و نهی از منکر در زمان خویش، آشنا و آگاه به حقایق و امور پنهان در شریعت، همچنین آشنا به مقاصد شریعت است. هیچ کس همانند او را در علم و دانش و ورع و برپایی حق، و شجاعت و فصاحت در سخن ندیده است.» (۱۰) با این حال، وی تألیفات زیادی دارد و در هر علم و دانشی، چه به صورت تألیف و یا تدریس و یا وعظ و ارشاد، اثری از خود به جا گذاشته است.

در زمینه عقیده و اصول دین، عزالدین بن عبدالسلام فردی پاک عقیده، آشنا به اصول دین، پیرو مذهب ابوالحسن اشعری (متوفی ۳۲۴هـ) است، او در بیشتر مناظره‌ها بر طرف خود برتری می‌یافت و او را قانع و راضی می‌نمود. (۱۱) در مورد آگاهی او از دو علم فقه و اصول، باید گفت: وی در درجه اول، از فقها و علمای اصول به شمار می‌آید و شاید تخصص اصلی وی نیز همین باشد. او نه تنها یکی از فقه‌های عصر خود به حساب می‌آمد؛ بلکه توانست بر آنها برتری یابد و پیروز شود. ریاست مذهب شافعی را بر عهده داشت و در مذاهب چهارگانه فتوا می‌داد. ابن حاجب می‌گوید: «او از امام غزالی، فقیه‌تر و عالم‌تر است.» (۱۲)

سیوطی در مورد امام عز می‌گوید: «او در آخر عمرش از مذهب خاصی پیروی نمی‌کرد؛ بلکه دیدگاه وی نسبت به مسائل، وسعت یافت و بر اساس آنچه اجتهاد می‌نمود، فتوا می‌داد. مالکیها و شافعیان بر این امر اتفاق نظر دارند که دانشمندان سرزمین مصر در زمان او سه نفر بوده‌اند: ۱. قرافی ۲. ابن منیر ۳. ابن دقیق‌العید و سومین فرد یعنی ابن دقیق‌العید از شاگردان شیخ عزالدین بن عبدالسلام است.» (۱۳) در ادبیات عربی و علم بلاغت، اطلاع وسیعی داشت که این امر را می‌توان از نوشته‌ها و تألیفات وی فهمید. در علم تفسیر، نسبت به دیگر مفسران، آگاهی و اطلاعات بیشتری داشت. از اولین کسانی بود که تفسیر را به همراه سایر علوم در مصر تدریس نمود و برای نسل‌های بعد از خود ثروت بزرگی به جای گذاشت که بیانگر میزان تسلط و توانایی وی در این زمینه است.

در زمینه علوم حدیث، فردی متواضع به نظر می‌رسید. گاهی اوقات در دمشق حدیث می‌گفت ولی

به محض آمدن به مصر آن را ترک کرد و در مجلس درس شیخ منذری حاضر شد. وی شیخ منذری را در علم حدیث از خود برتر می‌دانست. آخر الامر اینکه آگاهی وی در علم فقه و اصول بیشتر از علم حدیث بود و به همین دلیل است که ایشان در علوم حدیث به نسبت سایر علوم، تألیفات زیادی ندارد.

او در دانش تصوف فردی معتدل و میانه‌رو بود و علاوه بر اینکه همیشه از دستورات شریعت پیروی می‌کرد؛ بلکه شریعت و حقیقت را به هم پیوند می‌داد. به عقیده او، حقیقت جدای از شریعت نبوده؛ بلکه شریعت همراه با اصلاح دلها اجرا خواهد شد؛ پس شناخت احکام ظاهری، همانا شناخت ظاهر شرع و شناخت احکام باطنی نیز، شناخت کنه و حقیقت شرع است. شرع از دیدگاه او، مانند ترازویی است که توسط آن اعمال مردم سنجش می‌گردد پس فردی که عملش موافق کتاب و سنت باشد، از اولیاء خداوند و هر کس، عمل وی با کتاب و سنت مخالف است، از دشمنان خداوند محسوب می‌گردد. (۱۴)

امام عزالدین، تصوف خویش را بر پایه علم و عمل بنا نهاد و به سرزنش صوفیانی که از جامعه دوری می‌گزیدند و در تصوف خود غلو می‌کردند، می‌پرداخت. (۱۵)

### تألیفات و آثار علمی

امام عزالدین، ثروت علمی بزرگی از تصنیفات و تألیفات خود در زمینه علوم و فنون مختلف، برای امت اسلامی به جای گذاشت. علی‌رغم مشغله‌های کاری زیادی که وی در زمینه‌های مختلف مانند: امر به معروف و نهی از منکر؛ تدریس و خطابه جهاد در راه خدا و... داشت، توانست با اقدامات علمی خود، خدمت بزرگی به علوم اسلامی کند. موارد زیر از جمله تألیفات اوست که بر حسب موضوع آنها را ذکر نموده‌ایم (۱۶)

۱. عقیده: بیان احوال الناس يوم القيامة؛ رساله فی علم التوحید؛ عقائد الشیخ عزالدین بن عبدالسلام؛ عقیده الشیخ عزالدین بن عبدالسلام؛ الفرق بین الاسلام و الإیمان؛ ملحه الاعتقاد؛ نیده مفیده من الرد علی القائل بخلق القرآن؛ وصیه الشیخ عزالدین بن عبدالسلام.

۲. تفسیر: اختصار تفسیر الماوردی «النکت والعیون»؛ الإیشاره الی الإیجاز فی بعض أنواع المجاز؛ أمالی عزالدین بن عبدالسلام؛ بحار القرآن؛ تفسیر القرآن لابن عبدالسلام؛ قواعد فی مشکل القرآن.

۳. حدیث: شرح حدیث «أم زرع»؛ شرح حدیث «لا ضرر و لا ضرار»؛ مختصر صحیح مسلم.

۴. فقه و اصول: احکام الجهاد و فضله؛ الامام فی بیان ادله الاحکام؛ الترغیب عن صلاه الرغائب



الموضوعه؛ الجمع بين الحاوي و النهاية؛ شرح منتهى السؤل و الأمل في علمي الأصول و الجدل؛ الغايه في اختصار نهايه المطلب في درايه المذهب للجويني؛ قواعد الأحكام في مصالح الأنام؛ القواعد الصغرى؛ مقاصد الصلاة؛ مقاصد الصوم؛ مناسك الحج.

۵. فتاوا: الأجوبه القاطعه لحجج الخصوص للأسئله الجامعه في كل العلوم؛ الفتاوى المصريه؛ الفتاوى الموصليه.

۶. سيره: بدايه السؤل في تفضيل الرسول(ص)؛ قصه وفاة الرسول(ص).

۷. تصوف: رساله في القطب و الأبدال الأربعين؛ شجره المعارف و الأحوال و صالح الأقوال و الأعمال؛ الفتن و البلايا و المحن؛ الفوائد في اختصار المقاصد؛ مقاصد الرعايه لحقوق الله للحارث المحاسبي؛ نهايه الرغبه في ادب الصحبه.

۸. در علوم ديگر: ترغيب اهل الاسلام في سكني الشام؛ ثلاثه و ثلاثون شعرا في مدح الكعبه، مجلس في ذم الحشيشه.

#### وفات شيخ عز الدين بن عبدالسلام

امام عز الدين بن عبدالسلام عمر خود را وقف جهاد در راه خدا؛ کمک به دين اسلام و انتشار دعوت آن کرده بود، اما بالاخره در دهم جمادى الاول سال ۶۶۰ هجری در سن ۸۳ سالگی دار فانی را وداع گفت. ابن سبکی از پسر امام عز (عبداللطيف) نقل می کند که فوت پدرش در نهم جمادى الاول سال ۶۶۰ هـ بوده است. قول اول را عموم مورخان بیان نموده اند و آن را صحیح تر می دانند (۱۷) درباره مدت زندگانی وی دو روایت نقل شده است: ۱. ۸۲ سال زندگی کرد. ۲. وی ۸۳ سال زندگی نمود که این اختلاف از برداشت مختلفی که در مورد سال ولادتش دارند ناشی می شود. کسانی که معتقدند: او در سال ۵۷۷ هـ متولد شده است عمر وی را ۸۳ سال و کسانی که معتقدند وی در ۵۷۸ هـ متولد شده است، عمر او را ۸۲ سال می دانند. از مجموع این روایات، آنچه درست به نظر می رسد، همان روایتی است که سبکی آن را مبنی بر اینکه عمر وی ۸۳ سال می باشد نقل نموده است. (۱۸)

#### تألیف کتاب قواعد الاحکام فی مصالح الانام

امام عز الدين بن عبدالسلام در ابتدای این اثر در مقام بیان علت تألیف این کتاب می نویسد: «هدف از تألیف این کتاب، بیان منافع عبادات؛ معاملات و سایر تصرفاتی است که صورت می گیرند تا مردم با آگاهی از منافع آنها در اقدام به آنها تلاش کنند. همچنین هدف؛ بیان مضار کارهای نادرست است تا با روشن شدن زیان آنها، مردم از آنها دوری گزینند. هدف،

بیان فواید عبادات است تا بندگان از آن باخبر باشند و مقصود، بیان مقدم داشتن برخی از منافع بر بعضی دیگر و تأخیر بعضی از مفاصد بر برخی دیگر است. هدف، بیان مسائلی است که بندگان قادر به کسب و تحصیل آنها هستند و از مسائلی که از توان آنان خارج است و راهی به سوی آن ندارند، بحث نمی کند. تمامی احکام شرعی، دارای خیر و برکت است؛ چرا که یا موجب رسیدن به نفع و مصلحت است یا زیان و شر را از انسان دور می سازد. هرگاه به مطالعه این آیه قرآن کریم پرداختند که خداوند متعال می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا» لازم است که به توصیه ها و دستوراتی که بعد از «ندا» می آیند، تأمل و دقت کنید! آن گاه چنین استنباط خواهید کرد که جز خیر و برکتی که شما را در راستای رسیدن به آن تشویق می کند، یا شری که شما را از نزدیک شدن بدان برحذر می دارد، یا تشویق و هشدار را با هم جمع می کند، چیز دیگری وجود ندارد. خداوند متعال در قرآن کریم به بیان برخی از مفاصد یا منافع احکام پرداخته است تا بدین طریق مردم را از کارهای زیان آور دور سازد و آنان را به کارهای مفید و درست تشویق نماید.» (۱۹)

#### بررسی محتوای کتاب قواعد الاحکام فی مصالح الانام

این کتاب جزو اولین کتابهایی است که در مورد قواعد فقه تألیف گردیده است، ولی هدف مؤلف از تألیف این کتاب، جمع کردن قواعد فقهی و مرتب نمودن آن به روش خاصی نبوده است. (۲۰). این کتاب در موضوع خود، کتابی منحصر به فرد است و در مسائل شرعی خواننده اطلاعات مفیدی می دهد. (۲۱) کتاب، حاوی آراء و اجتهاداتی است که از دیدگاه برخی از فقها، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به همین دلیل امام سراج الدین بلقینی (متوفی ۸۰۵ هـ) در کتاب خود موسوم به الفوائد الجسم علی قواعد ابن عبدالسلام و همچنین علامه محمد وانوغي مالکی بر قواعد موجود در کتاب امام عز بن عبدالسلام، انتقاد نموده است. امام ابواسحاق شاطبی در کتاب الموافقات فی اصول الشریعه اضافاتی بر آن نوشته و قواعد مصلحتی را وضع نموده است. این کتاب به بیان مسائل مربوط به مقاصد احکام و مصالح و مفاصد، می پردازد. (۲۲) این کتاب توسط نشر دارالشروق در سال ۱۹۶۸ هـ به طور کامل چاپ شده، دارای دو بخش در یک مجلد و حدود ۵۲۶ صفحه است. آنچه در این نوشتار منشأ پژوهش بوده است، چاپ دارالکتب العلمیه بیروت است. بخش اول کتاب، ۱۷۰ صفحه و بخش دوم آن ۱۶۰ صفحه، که در مجموع ۳۳۰ صفحه است. هر بخش آن به چندین فصل تقسیم بندی شده و در هر

کتاب قواعد الاحکام فی مصالح الانام جزو اولین کتابهایی است که در مورد قواعد فقه تألیف گردیده است، ولی هدف مؤلف از تألیف این کتاب، جمع کردن قواعد فقهی و مرتب نمودن آن به روش خاصی نبوده است. این کتاب در موضوع خود، کتابی منحصر به فرد است و در مسائل شرعی به خواننده اطلاعات مفیدی می دهد. کتاب، حاوی آراء و اجتهاداتی است که از دیدگاه برخی از فقها، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.



فصل، بحث ویژه‌ای مطرح گردیده است. تعدادی از نسخ خطی این کتاب یافت شده که صفحاتی از دو نسخه آن به شماره‌های ۱۱۹ و ۴۲۵۸ در این چاپ معرض دید علاقمندان قرار می‌گیرد. (۲۳)

امام عزالدین بن عبدالسلام در قواعد الاحکام در موضوع مقاصد شریعت چنین می‌گوید: «بزرگ‌ترین مقاصد قرآن، عبارت از فرمان به کسب مصالح و اسباب آن و بازداشتن از مفسد و اسباب آن است.» (۲۴) وی در بخش دیگری از این اثر، عمومیت تعلیل‌پذیری احکام شریعت را تأیید می‌کند که همه آنها برای مصالح بندگان وضع شده است. او در این باره می‌گوید: «همه تکلیفها به مصالح بندگان در دنیا و آخرت باز می‌گردد و خداوند از عبادت همگان بی‌نیاز است و اطاعت مطیعان به او سودی و معصیت عاصیان به او زیانی نمی‌رساند.» (۲۵) وی آن گاه به بیان مصادیق مصالح و مفسد اخروی و دنیوی می‌پردازد و در این مورد می‌گوید: «مصلح آخرت عبارتند از: دستیابی به ثواب و رهایی از عقاب و مفسد آن عبارتند از رسیدن به عقاب و از دست دادن ثواب. مصالح دنیا نیز اموری است که ضروریات یا نیازمندیها و یا مکملها بدان می‌خوانند و مفسد آن عبارتند از: فقدان اینها بر اثر رسیدن به اضدادشان.» (۲۶)

همچنین این کتاب، سرشار از تعلیلهای و مقاصد جزئی احکام شرعی است. در این مورد می‌بایست که مؤلف آن را «قاعده فی اختلاف احکام التصرفات لاختلاف مصالحها» نامیده است، رجوع کرد تا این نتیجه حاصل گردد که وی چگونه به بیان مقاصد جزئی احکام شرعی می‌پردازد و چگونگی ملازمت احکام با مقاصد و مصالح را متذکر می‌شود.

وی در جای دیگر از کتابش می‌گوید: «اجتماع، بر پایه‌های عقل استوار و منافع آن همسان با مصالح و نیازمندیهای جامعه و عادات اجتماعی در حرکت است و بود و نبود قانون، دائر مدار وجود و عدم علت آن است.» (۲۷) در این ارتباط دکتر یوسف قرضاوی درباره عواملی که باعث شناخت مصالح و مفسد و تفاوت آنها می‌گردد، چنین می‌گوید: قاعده‌ای که شرع برای رعایت مصالح و دفع زیان وضع نموده است، همان قاعده‌ای است که طب از آن پیروی می‌کند؛ چرا که هردوی آنها به خاطر جلب مصالح و دفع مفسد بشری وضع شده‌اند. همان‌گونه که در مسائل دینی جایز نیست قبل از دستیابی به امر ترجیح دهنده از حالت توقف و بلا تکلیفی خارج شد، پزشک هم حق ندارد قبل از رسیدن به امر ترجیح دهنده و تشخیص، اقدام به معالجه کند. این یک قاعده مسلم است و جز کسانی که از درک صالح و اصلاح و فاسد و افسد عاجز و ناتوانند از آن تجاوز نمی‌کنند؛ چرا که امری است همگام و هماهنگ با سرشت و فطرت بشری که جز افراد نامعقولی که فساد بر آنها چیره شده است، کسی از آن دور نمی‌شود. (۲۸) «باید توجه داشت که ترجیح و در اولویت قراردادن قاعده «الأصلح فالأصلح» و دفع و پیشگیری از «الأفسد فالأفسد» جزو معلومات فطری بشری است، هدیه‌ای است که از طرف پروردگار جهان به بندگان داده شده است. همان‌طور که در کتاب قواعد الاحکام بیان داشتیم، اگر بچه کوچکی میان دو طعام لذیذ و لذیذتر مخیر شود، لذیذتر را انتخاب می‌کند، یا اگر بین دو چیز زیبا و زیباتر مخیر گردد، زیباتر را ترجیح می‌دهد. همچنین در بسیاری از مسائل دیگر بر اساس تشخیص فطری عمل می‌کند، جز کسانی که از فضیلت تشخیص اصلح محروم و ناآگاهند یا منحرفانی که خود را به نادانی می‌زنند و حاضر نیستند به تفاوت موجود میان دو مرتبه صالح با اصلاح، یا فاسد با افسد توجه کنند، بقیه از فرمان فطرت و قانونی که در سرشت انسانی متمرکز است، پیروی می‌نمایند.» (۲۹)

بر اساس آنچه تاکنون ذکر شد، در مجموع می‌توان گفت: کتاب قواعد الاحکام فی مصالح الانام تألیف عزالدین بن عبدالسلام، کتابی است که می‌توان آن را در این موضوع منحصر به فرد دانست که افق و بینش خاصی در مسائل شرعی به خواننده می‌بخشد و همچنین توجه ویژه‌ای به مقاصد شریعت داشته است و تمامی احکام الهی را تابع مصالح و مفسد می‌داند و در جهت تبیین تعلیل‌پذیری احکام شریعت، گام مؤثری برداشته که قابل تقدیر است.

امام عزالدین، تصوف خویش را بر پایه علم و عمل بنا نهاد و به سرزنش صوفیانی که از جامعه دوری می‌گزیدند و در تصوف خود غلو می‌کردند، می‌پرداخت





کتاب قواعد الاحکام  
فی مصالح الانام تألیف  
عزالدین بن عبدالسلام،  
کتابی است که می توان  
آن را در این موضوع  
منحصر به فرد دانست  
که افق و بینش خاصی  
در مسائل شرعی  
به خواننده بخشد و  
همچنین توجه ویژه‌ای  
به مقاصد شریعت  
داشته است و تمامی  
احکام الهی را تابع  
مصالح و مفساد می‌داند  
و در جهت تبیین  
تعلیل پذیری احکام  
شریعت، گام مؤثری  
برداشته که قابل تقدیر  
است

### فهرست منابع و مأخذ

۱. رسیونی، احمد. اهداف دین از دیدگاه شاطبی، مترجمان؛ سیدحسن اسلامی، سیدمحمد علی ابهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، بهار: ۱۳۷۶.
۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. الاشباه والنظائر فی قواعد و فروع الشافعیه. حقه و غلق علیه و خرج أحادیثه علی مخطوطین کاملتین، محمد محمد تامر، حافظ عاشور. دارالاسلام، للطباعة والنشر والتوزیع و الترجمة، چاپ اول ۱۹۹۸م، ۱۴۱۸هـ.
۳. عزالدین بن عبدالسلام، عبدالعزیز، فتاوی، مقدمه و تحقیق و درسه، محمد جمعه کردی. مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۹۹۶م، ۱۴۱۶هـ.
۴. عزالدین بن عبدالسلام، عبدالعزیز. قواعد الاحکام فی مصالح الانام، ضبطه و صححه، عبداللطیف حسن عبدالرحمن. منشورات، محمدعلی بیضون. لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. قرضاوی، دکتر یوسف. فی فقه الألوئیات، مترجم، ابوبکر حسن زاده. تهران: احسان، ۱۳۸۱.
۶. محمصانی، دکتر صبحی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.

### پی‌نوشتها:

۱. عزالدین بن عبدالسلام، عبدالعزیز. فتاوی، مؤسسه الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۹۹۶م، ۱۴۱۶هـ ص ۶۲.
۲. همان.
۳. همان.
۴. فتاوی، عزالدین بن عبدالسلام، ص ۶۳.
۵. همان.
۶. همان، ص ۶۴.
۷. همان، ص ۹۸.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. طبقات الشافعیه، ابن السبکی، ج ۸، ص ۲۱۴ به نقل از فتاوی، ص ۹۸.
۱۱. فتاوی، ص ۹۹.
۱۲. طبقات الشافعیه، ابن السبکی، ج ۸، ص ۲۱۴ به نقل از فتاوی، ص ۹۹.
۱۳. همان.
۱۴. همان.
۱۵. فتاوی، ص ۱۰۱.
۱۶. همان، ص ۱۳۱-۱۳۳.
۱۷. فتاوی، ص ۱۵۴.
۱۸. همان، ص ۱۵۵.
۱۹. عزالدین بن عبدالسلام، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، ج ۱، ص ۱۱.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. الاشباه و النظائر فی قواعد و فروع الشافعیه. دارالاسلام، چاپ اول، ۱۹۹۸م، ۱۴۱۸هـ ص ۳۱.
۲۱. همان.
۲۲. رسیونی، احمد. اهداف دین از دیدگاه شاطبی، مترجمان: سید حسن اسلامی، سیدمحمد علی ابهری، ص ۷۸.
۲۳. فتاوی، ص ۱۴۳.
۲۴. قواعد الاحکام فی مصالح الانام، عزالدین بن عبدالسلام، ج ۱، ص ۸.
۲۵. همان، ص ۷۳.
۲۶. همان.
۲۷. محمصانی، صبحی. فلسفه قانونگذاری در اسلام، مترجم، اسماعیل گلستانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۲۰۶.
۲۸. قرضاوی، یوسف. شناخت اولویتهای دینی در پرتو قرآن و سنت، مترجم: ابوبکر حسن زاده، ص ۴۰-۴۴.
۲۹. همان.

